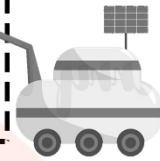


درس هفتم

جامعه جهانی



جامعه جهانی: شبکه روابط میان جوامع مختلف در یک دوره تاریخی.

به میزانی که یک فرهنگ ویژگی‌های مطلوب فرهنگی را داشته باشد، جامعه جهانی از انسجام برخوردار است.

فرهنگ سلطه جامعه جهانی را به دو بخش مرکز و پیرامون تقسیم می‌کند.

جامعه جهانی قبل از ظهور غرب جدید:

فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف هر یک در بخشی از جهان حاکمیت و قدرت سیاسی مربوط به خود را بوجود آورده بود.

روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی بین کشورهای مختلف برقرار بود.

جامعه جهانی به گونه‌ای نبود که سرنوشت تعاملات فرهنگی را تابع روابط سیاسی، نظامی یا اقتصادی قرار دهد ← اگر برخی کشورها مورد هجوم نظامی قرار می‌گرفتند در صورتی که از ظرفیت فرهنگی برتری برخوردار بودند. گروه مهاجم را درون خود هضم و جذب می‌کردند.

فرهنگ‌های مختلف از طریق ← گفت و گوهای مستقیم علمی و معرفتی و تجارت ← می‌توانستند از مرزهای جغرافیایی خود عبور کنند.

مثلاً: ایران در برابر یونانیان در دوره حکومت سلوکیان فرهنگ خود را حفظ کرد/ چین در برابر مغولان فرهنگ خود را بر آنان تحمیل کرد.

فرهنگ اسلامی ← متکی بر قدرت سیاسی و نظامی نبود بلکه مرهون قوت و قدرت فرهنگی آن بود
 ایرانیان اجبار و الزامی به مسلمان شدن نداشتند و به تدریج آن را پذیرفتند.
 آسیای جنوب شرقی از طریق تجارت با فرهنگ اسلام آشنا شدند.

فرهنگ غرب

سده ۱۷ تا ۲۰	سده ۱۹ و ۲۰
توسط جامعه جهانی شکل جدیدی به روابط میان جوامع بخشید	سازماندهی سیاسی و اقتصادی؛ جوامع غربی را به صورت جوامع مرکزی و دیگر جوامع را به صورت جوامع پیرامونی در آورد، طی این مدت فرهنگ‌های کشورهای غیر غربی وضعیت متزلزل و آسیب‌پذیری پیدا کرد.

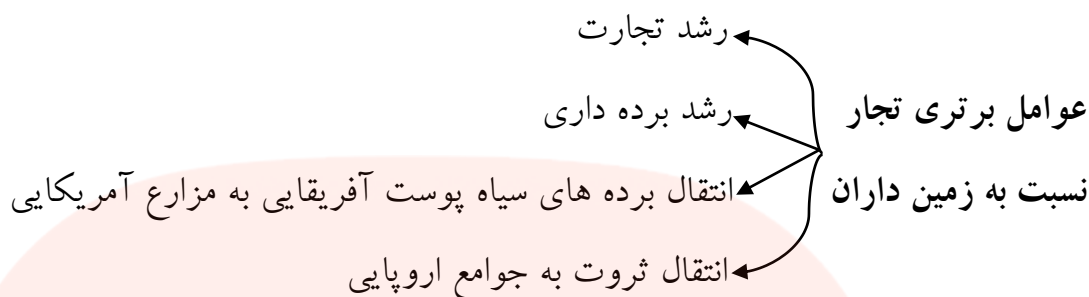
مراحل تکوین نظام نوین جهانی :

۱. پیدایش قدرت‌های سیاسی سکولار

- زوال تدریجی قدرت کلیسا سبب حاکمیت فئودال‌ها و اربابان بزرگ (کنت‌ها و لردها) شد
- شکل‌گیری دولت‌هایی با انقلاب فرانسه که جدایی خود را از دین به صورت رسمی اعلام کرده بودند
- این دولت‌ها خود را در ابعاد جغرافیایی، تاریخی و خصوصاً نژادی و قومی تعریف می‌کردند
- دولت - ملت‌های جدید پدید آمدند

۲. پیوند قدرت با تجارت، سرمایه و صنعت

- دولت‌ها برای افزایش قدرت خود به سرمایه و پول بازرگانان نیاز داشتند و بازرگانان برای تجارت و سود نیازمند حمایت ناوگان نظامی دولتمردان بودند.
- صنعت عامل دیگری بود که بر فرایند انباشت ثروت و موقعیت سرمایه‌داران افزود



۳. به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان های فراماسونری

- کشور های غربی برای تامین منافع اقتصادی نیازمند درهم شکستن مقاومت های فرهنگی اقوام تحت سلطه و نفوذ بودند
- به همین منظور از مبلغان مذهبی و سازمان های فراماسونری استفاده می کردند
- دولت های سکولار غربی در حمایت از مبلغان مسیحی انگیزه دینی نداشتند
- از تبلیغ مسیحیت برای گسترش جهانی قدرت خود استفاده می کردند
- فرهنگ عمومی جوامع غیر غربی را دچار اختلال می کردند
- از طریق سازمان های فراماسونری برنخبگان سیاسی آن جوامع تاثیر می گذاشتند.

۴. استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی

- مهم ترین عامل، ادغام جوامع غیر غربی در نظام نوین جهانی
- توسط استعمارگران به اشغال کامل نظامی در آمدند / مثل: هندوستان، اندونزی و الجزایر
- انواع کشورهای استعمار زده
- کشورهای نیمه استعماری / نمی توانستند به صورت مستقیم آنها را تحت سلطه خود قرار دهند / از طریق نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در نظام نوین جهانی ادغام شدند / مثل: چین و عثمانی و ایران

بخوانیم و بدانیم



■ بنای یادبود جنگ تریاک در چین

چین که بزرگ‌ترین کشور شرق آسیا بود، در قرن نوزدهم از طریق تهدید نظامی، نفوذ گروه‌های مبلغ مسیحی و روابط اقتصادی به صورت کشوری ضعیف درآمد که هر بخش آن تحت تسلط یکی از کشورهای اروپایی بود.

در آن زمان، عثمانی بزرگ‌ترین امپراتوری اسلامی محسوب می‌شد. قلمرو این امپراتوری از عربستان،

عراق، سوریه، فلسطین، مصر، ترکیه کنونی تا بلغارستان و بالکان گسترده بود و مرزهای جوامع اروپایی را تهدید می‌کرد. امپراتوری عثمانی نیز در اثر نفوذ گروه‌های مبلغ مسیحی و فراماسونری، تهدید نظامی و روابط اقتصادی از هم پاشید؛ بخش‌های عمده‌ای از آن جدا شدند و ده‌ها کشور از جمله مصر، سوریه، لبنان، اردن، عربستان، عمان، یمن، عراق و کویت از درون آن سربر آوردند و هر کدام تحت سلطه یکی از کشورهای اروپایی قرار گرفتند. ژاپن که از قرن هفدهم و بعد از نفوذ مسیحیت، دروازه‌های خود را به روی کشورهای غربی بسته

بود، با تهدید کشورهای اروپایی مجبور به برقراری روابط تجاری تحت شرایط مورد نظر این کشورها شد.



■ یادمان ۲۶ مُبلغ کاتولیک رومی در ژاپن

ایران نیز در این دوره سرنوشتی مشابه چین و عثمانی پیدا کرد. بخش‌هایی در شمال غربی، شمال شرقی و شرق (آذربایجان، گرجستان، ترکمنستان، افغانستان و ...) از آن جدا شدند و به صورت کشورهای مستقل (افغانستان) یا بخش‌هایی از روسیه درآمدند. بقیه قلمرو ایران در شمال، تحت نفوذ روسیه و در جنوب، تحت نفوذ انگلیس قرار گرفت و از نظر اقتصادی به اروپا وابسته شد. به این ترتیب، بیکره جهان قدیم فرو ریخت و جهانی جدید سر بر آورد.